

دانا و نادان) مورد بحث قرار می‌گیرد و شاگردان به جهتی هدایت می‌شوند که بتوانند با روحیه‌ای انتقادی به مسائل جامعه نگاه کنند و یادگیری خواندن را وسیله‌ای برای غلبه بر مشکلات زندگی خود بدانند. فریر این مرحله را مرحله «آگاهسازی» می‌نامد. این

تصاویر و بحثها در مورد هر کدام از کلمات کلید مورد استفاده قرار می‌گیرند. ۲. معلم که فریر او را «هماهنگ کننده» می‌نامد کارتهای اکتشاف را در معرض دید شاگردان قرار می‌دهد و نخست با استفاده از «روش واژه محور» خواندن شکل کلی کلمه را به آنان یاد می‌دهد و در همان جلسه آنان را طوری هدایت می‌کند که هجاهای سازنده کلمه کلید را تلفظ کرده، صامتهای آغازین هجاها را با کلیه مصوتهای زبان ترکیب کنند (روش هجامحور) و به این وسیله کلمات جدیدی بسازند. روش فریر دارای امتیازاتی می‌باشد: اولین مزیت آن این است که به طور همزمان، هم به عناصر کلی زبان (کلمات) و هم به اجزای سازنده آنها (حروف و هجاها) توجه دارد. دیگر اینکه از وسایل کمک آموزشی مانند لوحه‌ها، فیلمهای آموزشی و بویژه کارتهای اکتشاف استفاده می‌کند.

اشکالات. از اشکالات اصلی این روش این است که بیش از حد بر «آموزش واژه» تکیه دارد و به آموزش خواندن و نوشتن جمله که واحد اصلی زبان است توجه کافی ندارد. دیگر آنکه در این روش «آگاهسازی» بر آموزش خواندن و نوشتن پایه ارجحیت دارد. به همین سبب مخاطبین آن باید دارای رشد اجتماعی و ذهنی مناسبی باشند. در نتیجه این روش فقط ویژه قشری خاص، یعنی بزرگسالانی است که دارای رشد اجتماعی و ذهنی هستند و برای دانش‌آموزان مفید نیست. توضیح این نکته لازم است که طرح روش فریر در این کتاب به قصد آشنا کردن خوانندگان با این روش است، زیرا همان طور که اشاره شد، با ویژگیهای دانش‌آموزان سنخیت ندارد.

۴-۳-۵ رویکرد تجربه زبانی^۱

در این رویکرد هر چهار مهارت زبانی، یعنی صحبت کردن و گوش دادن و خواندن و نوشتن، در فرایند آموزش خواندن و نوشتن به کار گرفته می‌شوند. تقریباً می‌توان گفت

1. language-experience approach

این رویکرد تنها رویکردی است که بیش از همه خواندن را با دیگر مهارت‌های زبانی ارتباط می‌دهد؛ به این ترتیب که خواندن را در ارتباط با گوش دادن، صحبت کردن و نوشتن به صورت «واحدی از تجربه زبانی شاگرد» می‌داند.^۱

نکته دیگر اینکه، در مقایسه این رویکرد با رویکردهای دیگر آموزش خواندن می‌توان گفت در این رویکرد تأکید بر یادگیری مهارت‌های کشف ارتباط بین آواهای زبانی و نشانه‌های حرفی، به صورت از پیش تنظیم شده، بسیار کم است. در روش عملی این رویکرد محتوای درسی از پیش آماده نمی‌شود، بلکه محتوای آموزشی از درون جملاتی که فراگیران در آغاز جلسه به کار می‌گیرند انتخاب می‌شوند. معلم نخست با به راه انداختن بحث‌های گروهی یا داستان‌گویی، دانش‌آموزان را به صحبت کردن در مورد موضوعی خاص مانند مسافرت، زندگی خانوادگی، تفریح و بازی، کشاورزی و امثال آن تشویق می‌کند و در نهایت، کلمه و جمله‌هایی را از درون این مباحث جهت آموزش مهارت‌های خواندن و نوشتن انتخاب می‌نماید. به این ترتیب شاگردان، خواندن و نوشتن کلمات و جملاتی را می‌آموزند که قبلاً در موردشان تجربه زبانی (به صورت مهارت‌های گفتاری و شنیداری) داشته‌اند.

در جریان گفتگوهای گروهی، هیچ نوع «کنترل مشخص» یا سختگیری خاصی در مورد واژه‌ها، جمله‌ها یا محتوای مکالمات به عمل نمی‌آید و فقط از میان آنها عناصری گزینش می‌شوند تا در آموزش خواندن و نوشتن به کار گرفته شوند؛ به همین دلیل شاید بتوان این روش را روشی «شاگرد محور» نامید. روش تجربه زبانی را می‌توان با یکی از روش‌های واژه محور یا جمله محور تلفیق کرد.

فراگیرانی که با روش برخاسته از رویکرد تجربه زبانی خواندن و نوشتن می‌آموزند خود را در جریان کار آموزش سهیم می‌بینند و به همین سبب از انگیزه‌های قویتری برخوردار می‌شوند. آنان احساس می‌کنند که:

۱. به نظرات آنان اهمیت داده می‌شود؛

۲. هر آنچه را فکر می‌کنند، می‌توانند بگویند؛

۳. هر آنچه را می‌گویند، می‌توانند بخوانند و بنویسند.

این روش علاوه بر سودبخشی بسیار زیاد در دوره آموزش پیش دبستانی و

1. Wray, David & Jane Medwell (1995), p. 103.

دبستانی، در آموزش بزرگسالان نیز می تواند مفید واقع شود. برای به کارگیری این روش در آموزش خردسالان می توان از داستان گویی و نمایش، و در آموزش بزرگسالان می توان از بحث های اجتماعی، دانش افزایی محض و دانش افزایی کاربردی (مهارت آموزی) استفاده کرد.

شایان ذکر است که روش تجربه زبانی را نمی توان برای آموزش خواندن و نوشتن یک زبان مثل زبان فارسی به کسانی که به مهارت صحبت کردن و گوش دادن این زبان آشنایی ندارند و در مناطق غیرفارسی زبان زندگی می کنند به کار برد. بنابر این ضروری است که نخست با استفاده از یک برنامه آموزشی منظم و دقیق و با استفاده از شیوه ها و فنون آموزش زبان دوم، دانش آموزان دارای گویش های محلی را به مهارت مکالمه زبان فارسی مسلط کرد و سپس به آموزش خواندن و نوشتن با روش تجربه زبانی پرداخت. هرچند که این نکته در مورد همه روش های آموزش خواندن و نوشتن صدق می کند، به لحاظ ویژگی خاص روش تجربه زبانی به طور قطعی باید اجرا شود. به طور کلی از محاسن این روش می توان به چند مورد اشاره کرد:^۱ نخست اینکه در روش مورد بحث هر چهار مهارت زبانی در یک برنامه آموزشی تلفیق شده است؛ دوم اینکه این روش باعث ایجاد انگیزه و رغبت بسیار قوی در دانش آموزان جهت یادگیری، فعال بودن دانش آموزان، ایجاد تحرک در کلاس و تقویت قوه خلاقیت و دانش زبان شفاهی دانش آموزان می شود و سوم اینکه با به کار گرفتن این روش مشکل تلفظ صحیح لغات به حداقل می رسد.

اشکالات^۲

۱. مفید نبودن برای کسانی که به زبانی غیر از زبان رسمی کشور صحبت می کنند؛
۲. نیاز داشتن به معلمان کارآزموده؛
۳. عدم کاربرد مؤثر در کلاس های پرجمعیت.

۵-۳-۵ رویکرد چند حسی^۳

اصول کلی

الف) مبانی روانشناختی. هنگامی که از آموزش مهارت های خواندن صحبت به

۱. زندگی (۱۳۷۲)، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۱.

۳. multisense approach

میان می آید معمولاً نظرها به استفاده از سه قوه شنوایی، گویایی و بینایی معطوف می گردد. اما برخی دانشمندان علوم تربیتی و روانشناسی بر این باورند که می توان علاوه بر قوای سه گانه فوق از حس لامسه یا بساوایی نیز در آموزش خواندن بهره گرفت. حتی برخی از آنان اعتقاد دارند که رشد قوای حرکتی و لامسه زیربنای رشد مهارت های زبانی را تشکیل می دهد و چنانچه فراگیران به دلایل مختلف نتوانند مهارت های حرکتی لازم را کسب کنند، احتمالاً در یادگیری مهارت های ذهنی از جمله دو مهارت خواندن و نوشتن با مشکلات جدی ای روبه رو خواهند شد.

بنابر این می توان گفت رویکرد چند حسی، در آموزش مهارت خواندن، به طور همزمان و در برنامه ای کاملاً منسجم علاوه بر قوای بینایی، شنوایی و گویایی، از قوای حرکتی و لامسه نیز استفاده می کند.

فرض اولیه درباره روش های منبعث از رویکرد چند حسی این است که تحریک و استفاده از حواس مختلف از راه های گوناگون به تقویت و تثبیت یادگیری کمک شایان توجهی می کند. در این روشها معمولاً از لمس و ردگیری به وسیله انگشتان استفاده می کنند: معلم کلمات یا حروف را به صورت خوانا و بزرگ و با دست روی صفحه ای از کاغذ می نویسد و سپس از فراگیران می خواهد که با انگشت خود از ابتدا تا انتهای حرف یا کلمه مورد نظر را ردگیری کنند.

در برخی از روش های رویکرد چند حسی برای افزایش حس لامسه و عضلانی در تمرینات ردگیری از شیوه های دیگری مانند استفاده از حروف یا کلمات پلاستیکی و چوبی، با رنگ زدن آنها، و یا استفاده از شن و ماسه یاری گرفته می شود.

بنابر این می توان گفت فراگیران هنگام یادگیری دو مهارت خواندن و نوشتن، تمام قوای حسی، حرکتی و عضلانی خود را در این امر به کار می گیرند و مراحل زیر را به طور همزمان طی می کنند:

۱. شکل حروف، کلمات و جملات را می بینند (قوه بینایی)؛
۲. تلفظ این عناصر زبانی را از طریق معلم یا نوار صوتی می شنوند (قوه شنوایی)؛
۳. تلفظ این عناصر را بر زبان می آورند (قوه گویایی)؛
۴. عضلات دست خود را هنگام ردگیری عناصر زبانی به حرکت درمی آورند (قوه حرکتی - عضلانی)؛
۵. شکل نوشتاری عناصر زبانی را با انگشتان دست لمس می کنند (قوه لامسه).

به وسیله پنج مرحله فوق که تقریباً در یک زمان کوتاه و برخی از آنها به طور همزمان انجام می‌گیرد دانش‌آموزان از حشهای سه گانه شنوایی، بینایی و لامسه و قوای حرکتی - عضلانی و گویایی در امر یادگیری مهارت خواندن سود می‌جویند. به این طریق از بسیاری از تبعات به وجود آمدن حواس پرتی جلوگیری می‌شود؛ چرا که دانش‌آموز طوری هدایت می‌گردد که تمام قوای حسی و حرکتی خود را به یادگیری معطوف سازد. مزیت دیگر این روش آن است که مطالب ارائه شده راحت‌تر و بهتر آموخته شده، کاملاً در ذهن فراگیران تثبیت می‌گردد. شایان ذکر است که از روشهای مربوط به رویکرد چند حسی، بیشتر برای آموزش خواندن و نوشتن به دانش‌آموزانی که دچار ناتوانیهای یادگیری هستند استفاده می‌شود.

ب) مبانی زبانشناختی. در روش گلینگهام - استیلمن نخست عناصر کوچکتر زبان آموزش داده می‌شود و سپس به آموزش عناصر بزرگتر پرداخته می‌شود؛ در روش فرنالد عناصر به صورت کل آموزش داده می‌شود و سپس با تجزیه آنها به واحدهای کوچکتر زبانی به آموزش آنها پرداخته می‌شود و در روش چند حسی اورتون، به طور همزمان، بر آموزش شکل و نام حروف، صدای حروف، تلفظ و آموزش شکل کلمات پرداخته می‌شود.

در این روشها، مانند روش تجربه زبانی، هر چهار مهارت زبانی صحبت کردن و گوش دادن و خواندن و نوشتن در یک برنامه منظم در جهت آموزش مهارت خواندن مورد استفاده قرار می‌گیرند.

روش فرنالد.^۱ در این روش که توسط جی. فرنالد در سال ۱۹۴۳ ابداع شده است، مانند دیگر روشهای چند حسی، علاوه بر قوای سه گانه گویایی، بینایی و شنوایی بر استفاده از «قوای لامسه و عضلانی» نیز تأکید می‌شود. در این راه مهمترین تکنیک یا شیوه پیشنهادی فرنالد، «شیوه ردگیری» است. از لحاظ نگرش به عناصر زبانی، تکیه این روش بر استفاده از روش کلی واژه محور است.^۲ به این صورت که در جریان برنامه آموزشی، شاگردان کل کلمه را به صورت یک واحد بسیط یا «الگوی تام»^۳ می‌آموزند و با ردگیری کل آن، حافظه خود را تقویت کرده، در بازآفرینی نیز، کل آن را به یاد

می آورند. روش فرنالد در واقع از به هم پیوستن چهار مرحله تشکیل شده است که دانش آموزان با طی کردن این چهار مرحله، مرحله بازشناسی شکل کلی کلمه را تا مطالعه گسترده متون خواندنی طی می کنند.

۱. در این مرحله معلم کلمه مورد نظر خود (یا شاگرد) را با حروف درشت روی یک کاغذ به اندازه حدود 10×15 سانتیمتر می نویسد و درست موقعی که شاگرد به کلمه نگاه می کند آن را تلفظ می نماید. سپس شاگرد همراه با تلفظ کلمه، حروف تشکیل دهنده کلمه را از آغاز تا انتها با انگشتانش لمس می کند. بعد از لمس شکل کل کلمه توسط شاگرد، معلم با لمس هر هجا شیوه تلفظ آن را به او می آموزد. این عمل تا هنگامی که شاگرد قادر شود شکل کلمه را همراه با تلفظ آن از حفظ بر روی کاغذ جداگانه ای بنویسد تکرار می شود. بعد از آن، از او خواسته می شود به کمک کلمه مورد نظر جمله یا داستان کوتاهی بسازد و آن را به صورت شفاهی بیان کند.

۲. این مرحله تقریباً با مرحله نخست یکسان است و تنها تفاوت آنها این است که در مرحله دوم، عمل ردگیری و لمس کلمه و اجزای سازنده آن با انگشتان وجود ندارد، اما همچنان به بازشناسی و بازنویسی کلمات تأکید می شود. همچنین در این مرحله، جملات و داستانهای نسبتاً طولانی تری ساخته می شوند و به صورت شفاهی بیان می گردند.

۳. تا فرارسیدن این مرحله، دانش آموزان خواندن و نوشتن تعداد زیادی کلمه را آموخته اند. بنابراین از آنان درخواست می شود علاوه بر یادگیری خواندن و نوشتن، تعدادی کلمه جدید و جملات بلند بسازند و به صورت شفاهی بیان کنند.

۴. در مرحله چهارم، دانش آموزان تشویق می شوند تا با تعمیم عناصر سازنده کلمات قبلی، خود کلمات جدیدی بسازند و آنها را بخوانند و بنویسند.^۱

کلیه محسناتی که در مورد روش واژه محور گفته شد، بر روش فرنالد مترتب است. افزون این که در روش فرنالد علاوه بر قوای بینایی، شنوایی و گویایی از قوه لامسه هم استفاده می شود. دیگر آنکه در این روش، آموزش زبان نوشتاری با استفاده از زبان گفتاری دانش آموزان انجام می پذیرد.

اشکالات

۱. این روش برای همه دانش آموزان طراحی نشده است، بلکه مختص

دانش آموزانی است که دچار ناتوانی یادگیری هستند.
 ۲. کلیه اشکالاتی که در مورد روش واژه محور گفته شد، بر روش فرنالد نیز مترتب است.

۳. به آموزش خواندن و نوشتن جمله، که واحد اصلی زبان می باشد، توجه کافی نشده است.

روش گلینگهام - استیلمن. در این روش، برخلاف روش فرنالد، آموزش شکل کلی کلمه (واژه محوری) مورد نظر نیست، بلکه این روش چند حسی، بیشتر در پی آموزش خواندن و نوشتن صحیح حروف الفبا می باشد. به همین سبب شاید بتوان آن را روشی «حرف محور» نامید؛ چرا که هنگام آموزش، از نام حروف نیز استفاده می کند. در این روش دانش آموزان از طریق مشاهده، تلفظ، رونویسی و لمس کردن شکل حروف با انگشتان خود، به یادگیری دو مهارت خواندن و نوشتن می پردازند. همچنین کارتهای مربوط به تمرینات آواشناختی و داستانهای کوتاه از مواد اصلی برنامه آموزشی این روش به شمار می آیند. کلیه مراحل چند حسی گلینگهام - استیلمن را می توان در سه مرحله زیر خلاصه کرد.

۱. در مرحله نخست، که از قوای گویایی، شنوایی و بینایی استفاده می شود، معلم کارت آموزشی را که حرف مورد نظر روی آن نوشته شده است به فراگیران نشان می دهد و نام آن حرف را به آنان می گوید. سپس صدای آن حرف را تلفظ کرده، از فراگیران می خواهد که همراه وی صدای مورد نظر را تکرار کنند. در نهایت، مجدداً کارت آموزشی را به تک تک دانش آموزان نشان می دهد و از آنان می پرسد: «صدای این حرف چیست؟» و هر وقت که همه فراگیران موفق به تلفظ صحیح صدای حرف مورد نظر شدند مرحله اول به پایان می رسد.

۲. در این مرحله معلم بدون نشان دادن کارت، صدای حرف مورد نظر را از طریق ضبط صوت پخش می کند و فراگیران باید نام حرف مورد نظر را به معلم بگویند. همان طور که ملاحظه می شود، در مرحله دوم از قوای شنوایی و گویایی استفاده می شود.

۳. در مرحله پایانی این روش، که از بینایی، شنوایی، گویایی، لامسه و قوای حرکتی - عضلانی استفاده می شود، معلم با دقت کامل شکل حرف مورد نظر را برای دانش آموزان می نویسد و طرز نوشتن آن را برای آنان شرح می دهد. سپس از آنها می خواهد با انگشتان خود شکل مربوطه را لمس و آن را از ابتدا تا انتها ردگیری کنند.

بعد از اتمام مرحله ردگیری، شاگردان به رنگ کردن شکل حرف مورد نظر و ترسیم آن از روی یک حرفِ مدل می‌پردازند و آنگاه آنان مستقلاً حرف مورد نظر را رونویسی نموده، در نهایت بدون نگاه کردن به حرفِ مدل از حفظ شروع به نوشتن حرف مورد نظر می‌کنند. در پایان این مرحله، معلم صدای آن حرف را (شخصاً یا با ضبط صوت) ارائه می‌دهد و از فراگیران می‌خواهد شکل صدایی را که تلفظ آن را می‌شنوند بنویسند.^۱ از مزایای این روش می‌توان به استفاده از قوای لامسه علاوه بر قوای بینایی، شنوایی و گویایی اشاره کرد. دیگر آنکه کلیه محسناتی که در مورد روش حرف محور گفته شد بر روش گلینگهام - استیلین نیز، مترتب است.

اشکالات

۱. مدت زمان زیادی به آموزش اجزای کوچکتر زبان (حروف) اختصاص دارد و توجه کافی به آموزش کلمه نمی‌شود.

۲. کلیه اشکالاتی که در مورد روش حرف محور گفته شد بر روش گلینگهام - استیلین نیز مترتب است.

۳. عدم توجه کافی به آموزش خواندن و نوشتن جمله که واحد اصلی زبان است. روش اورتون.^۲ این روش چند حسی که برآمده از تئوری درمانی اختلالات خواندن اس. اورتون در سال ۱۹۳۷ می‌باشد، توسط جی. اورتون در سال ۱۹۶۶ تکمیل شده است.

این روش، بسیار دقیق و سازمان یافته بوده و مدت زمان لازم برای پیاده کردن آن حداقل پنج جلسه هفتگی به مدت دو سال است.^۳ برخلاف روش فرنالد، که تقریباً روشی است کلی و واژه محور، و روش گلینگهام - استیلین، که روشی است تحلیلی و حرف محور، روش آموزش خواندن و نوشتن چند حسی اورتون، هم به کلمات توجه دارد و هم به عناصر سازنده آن، یعنی آواها و حروف. بنابراین شاید بتوان این روش را نوعی «روش ترکیبی» نامید.

برنامه آموزشی این روش به طور خلاصه شامل پنج مرحله و از قرار زیر است:

۱. در مرحله اول، تمرینات اولیه با آموزش تلفظ آواها و ترکیب صامت‌ها و

۱. ممان، ص ۲۳۳.

2. Orton method

۳. فریاری و رخشان (۱۳۶۹)، ص ۲۴۲.

مصوتها شروع می شود. ۲. در این مرحله دانش آموزان شکل حروف و معادل آوایی آنها را از طریق شیوه

ردگیری با کمک حس لامسه و شنوایی به ذهن می سپارند. ۳. در سومین مرحله، صامتها و مصوتها یاد شده را با یکدیگر ترکیب می کنند و

به این ترتیب هجاهای مختلف زبانی را می سازند. ۴. در مرحله چهارم، هجاها نیز با یکدیگر ترکیب می گردند و کلمات ساخته

می شوند. ۵. در مرحله پایانی، مجدداً از دانش آموزان خواسته می شود کلمات و هجاها را صداکشی کرده، آواهای سازنده آنها را تلفظ نمایند و نام حروف را نیز بازگویند. در این روش، خواندن مستقل تا زمانی که آموزش تمام صامتها و مصوتها به اتمام نرسیده به تعویق انداخته می شود.^۱ از مزایای این روش می توان به استفاده از قوه لامسه علاوه بر قوای بینایی، شنوایی و گویایی و همچنین توجه همزمان به آموزش همزمان حرف و کلمه اشاره کرد.

اشکالات

۱. طولانی بودن زمان آموزش (مدت دو سال) و عدم کارایی آن برای دانش آموزان عادی؛
۲. عدم توجه کافی به آموزش خواندن و نوشتن جمله به عنوان واحد اصلی زبان.

۵-۳-۶ رویکرد زبانشناختی

اصول کلی

رویکرد زبانشناختی^۲ که از جدیدترین رویکردهای آموزش خواندن و نوشتن به شمار می آید مبتنی بر اصول و یافته های «علم زبانشناسی» است. به طور خلاصه می توان گفت که این رویکرد بر اصول زیربنیان گذاشته شده است:

۱. جمله اساسی ترین و مهمترین واحد زبانی است. بنابراین، هنگام آموزش خواندن نیز باید به «آموزش از طریق جمله» پرداخت و در همان حال به عناصر

۱. همان، ص ۲۴۲.

کوچکتر سازنده جمله یعنی واژه‌ها، هجاها و آواها توجه کرد.

۲. در رویکرد زیانشناختی از دو خصوصیت زبانهای انسانی یعنی خصوصیت «جانشینی» و «همنشینی»^۱ به مقدار زیادی استفاده می‌شود.

۳. در این رویکرد دو مهارت خواندن و نوشتن به صورت همزمان آموزش داده نمی‌شوند، بلکه برنامه آموزشی طوری تنظیم می‌گردد که نخست فراگیران به مهارت خواندن تسلط پیدا کنند و تنها پس از این مرحله است (تقریباً بعد از بیست تا بیست و پنج جلسه) که آموزش مهارت نوشتن آغاز می‌گردد. امر مذکور به سبب این اعتقاد است که فراگیران نخست باید به مهارت خواندن که جزو مهارتهای تولیدی است بپردازند.

۴. در رویکرد زیانشناختی هنگام آموزش قواعد پیوندهای حرف - آوا ابتدا حروفی آموزش داده می‌شوند که رابطه‌ای «یک به یک و منظم» با آواهای زبانی دارند؛ سپس به حروفی که این ارتباط در آنها کمتر است پرداخته می‌شود. مثلاً در فارسی حروف ب، م، ر، خ، ف، ش، پ، ج، چ، د، ل و ن با آواهای مربوط به خود رابطه یک به یک دارند ولی حروف س، ث، ص و ز، ض، ذ، ظ و ... با آواهای مربوط به خود رابطه یک به یک ندارند.

۵. این رویکرد پیشنهاد می‌کند که در امر آموزش مهارت خواندن واژه‌های آغازین از «سه آوا و سه حرف» تشکیل شوند و آموزش اولیه بر اساس هجای «صامت + مصوت + صامت» صورت گیرد. مثال: مار، کار، تار، ساز، راز، ناز.

۶. اصل دیگری که رویکرد زیانشناختی از آن پیروی می‌کند استفاده از «تکرار زیاد عناصر» است، تا علاوه بر یادگیری اولیه، تثبیت یادگیری نیز در ذهن شاگردان صورت گیرد.

۷. این رویکرد با «کاربرد عکس و تصویر» و کلاً استفاده از تکیه گاه تصویری در آموزش خواندن موافق نیست، چرا که وجود تصاویر موجب می‌شود فراگیران به جای استفاده از ذهن خود برای بازشناسی شکل کلمات و تلفظ آنها، با اتکا به تصاویر به صورت حدسی نام شیء مورد نظر را بر زبان آورند.^۲

۸. در این رویکرد فرض اولیه بر این اساس استوار است که شاگردان کاملاً به دو

۱. این دو مفهوم در فصل اول تشریح شده‌اند.
۲. والاس (۱۳۷۰)، ص ۲۲۶.

مهارت صحبت کردن و گوش دادن زبان آموزش مسلط هستند و برنامه آموزشی خواندن و نوشتن فقط باید ترتیبی اتخاذ کند که آنان بتوانند نحوه تبدیل یا گشودن ارتباط علائم نظام نوشتاری و علائم صوتی زبان را بیاموزند، به گونه‌ای که قادر باشند به علائم نوشته شده با اصوات مناسب زبانی پاسخ دهند. بنابراین تا زمانی که فراگیران به زبان شفاهی مسلط نشده‌اند آموزش خواندن و نوشتن آغاز نمی‌شود.

در اینجا به توضیح یکی از مشهورترین روشهای منبعث از رویکرد زبانشناختی، یعنی روش بلومفیلد - فریز^۱ می‌پردازیم.

روش بلومفیلد - فریز. این روش همان طور که از نامش پیداست از طرف لئونارد بلومفیلد و چارلز فریز، دوزبانشناس مشهور قرن حاضر، پیشنهاد شده است. این افراد یادگیری مهارت خواندن را اساساً به منزله یک فراگرد «کدبرگردانی»^۲ به شمار می‌آورند.^۳ فرض اولیه آنان این است که دانش آموزانی که وارد نظام آموزشی شده‌اند، قبلاً به زبان شفاهی شامل دو مهارت «صحبت کردن و گوش دادن» تسلط کامل یافته‌اند و وظیفه برنامه آموزشی این است که ترتیبی دهد تا آنان رابطه بین نشانه‌های حرفی و آواهای زبانی یعنی صامتها و مصوتها را در قالب واحدهای هجا و کلمه یاد بگیرند. به همین سبب در این روش به ساخت آوایی زبان تأکید می‌شود. این کلمات معمولاً کلمات تک هجایی سه حرفی - سه آوایی متشکل از صامت + مصوت + صامت هستند. سپس فراگیران با استفاده از اصل «جفت‌های کمینه»^۴ و خصوصیت جانشینی زبان، در این جهت راهنمایی می‌شوند که با تغییر در یک جزء آن کلمات، تعمیم‌های جدیدی صورت دهند و کلمات دیگری بسازند؛ مانند:

سار، ساز، ساق، ساک، سام، سان

سار، زار، مار، غار، کار، بار، خار

در مرحله بعدی، فراگیران به هجی کلمات و تکرار و تمرین آن می‌پردازند و در نهایت تعدادی از آنها را در جملات ساده به کار می‌گیرند.

یکی از تفاوت‌های این روش با روشهای تحلیلی، کلی و ترکیبی در این است که در این روش به طور همزمان به عناصر ساختهای آوایی، صرفی، نحوی و معنایی توجه

2. encoding

1. Bloomfield - Fries method

۳. فریار و رخشان (۱۳۶۹)، ص ۲۳۷.

4. minimal pairs principle

می‌شود؛ بدین ترتیب که فراگیران، هم به خواندن صامت‌ها و مصوت‌ها و حروف سازنده آنها، هجاها و ساخت آوایی، خواندن واژه‌ها (ساخت صرفی) و خواندن جملات (ساخت نحوی) مسلط می‌شوند و هم به معنای کلمات و جملات (ساخت معنایی) پی می‌برند. تفاوت دیگر در این است که برخلاف اکثر روش‌های دیگر، هجاها یا بخش‌های زبان و عناصر سازنده آنها یعنی آواها و حروف به وسیله انگشتان و یا بالا و پایین بردن دست‌ها آموزش داده نمی‌شود، بلکه این کار براحتی با استفاده از دو خصوصیت جانشینی و همنشینی زبان انجام می‌شود.

از مزایای عمده این روش می‌توان به این موارد اشاره کرد:
- اتکا بر توانش زبان گفتاری دانش‌آموزان برای آموزش مهارت‌های خواندن و

نوشتن؛

- استفاده از دو خصوصیت حاکم بر زبان‌های انسانی، یعنی جانشینی و همنشینی؛
- استفاده وسیع از جفت‌های کمینه در زبان مورد آموزش؛
- توجه به همه واحدهای زبانی اعم از حرف، آوا، هجا، کلمه و جمله.

اشکالات

۱. عدم استفاده از تکیه گاه تصویری؛
۲. عدم کارآیی مفید آن در زبان‌هایی که دچار مشکل رسم الخطی هستند و رابطه عناصر نظام آوایی و عناصر نظام الفبایی آنها یک به یک^۱ نیست و در نتیجه یافتن جفت‌های کمینه مناسب برای آموزش همه حروف ممکن نمی‌باشد.

۵-۳-۷ رویکرد الفبای اصلاح شده

اصول کلی

همان‌طور که در بخش‌های قبلی کتاب گفته شد، هیچ زبانی در دنیای کنونی وجود ندارد که بین آواهای آن و نشانه‌های حرفی نظام نوشتاری‌اش رابطه‌ای کاملاً یک به یک و متناظر برقرار باشد.^۲ در تمام زبان‌ها، از جمله زبان‌های انگلیسی، عربی، فرانسه و ... در این زمینه اشکالات متعددی مشاهده می‌شود که ما این اشکالات را در زبان فارسی

1. one-to-one correspondence

که زبان رسمی و آموزشی ایران است نیز ملاحظه می‌کنیم. این اشکالات، هم دانش‌آموزان و هم معلمان را در امر یادگیری و آموزش مهارت‌های خواندن و نوشتن (بویژه املا) دچار مشکلات جدی می‌کند؛ با توجه به این مطالب، برخی بر آن شده‌اند که برای حل این مسأله راه‌حل یا راه‌حلهایی ارائه کنند که همه آنها را می‌توان در سه گروه زیر دسته‌بندی کرد:^۱

۱. تغییر خط به طور کامل، مانند کشور ترکیه در زمان کمال آتاتورک؛

۲. اصلاح خط، مانند اصلاح خط قرآن کریم در قرون اولیه هجری؛

۳. اصلاح روش آموزش.

اما پیداست که راه حل اول به دلایلی چند از جمله قطع ارتباط نسل کنونی با فرهنگ و آثار مکتوب گذشته میسر نیست. اما شیوه‌هایی که براساس دومین یا سومین راه‌های فوق ابداع شده‌اند، همگی بر این فرض استوارند که باید ترتیبی اتخاذ کرد تا فراگیران به وسیله یک نظام نوشتاری که بدون اشکال باشد به مهارت‌های اولیه خواندن و نوشتن دست پیدا کنند و سپس آنان را به سوی یادگیری خواندن و نوشتن نظام نوشتاری واقعی هدایت کرد.

در حقیقت این روشها برای این به کار گرفته می‌شوند که آموزش اولیه مهارت‌های خواندن و نوشتن را تسهیل نمایند. این روشها در اکثر موارد فقط در سال اول آموزش، جهت «آسان‌سازی یادگیری» به کار می‌روند. مشهورترین این روشها، «روش الفبای آموزش پایه یا اولیه»، «روش نشانه‌های ممیز» و «روش الفبای رنگین» است که به ترتیب به شرح هر کدام می‌پردازیم:

روش الفبای آموزش پایه یا اولیه.^۲ این روش از آن جهت دارای اهمیت است که به رابطه نمادهای نوشتاری و آواهای زبانی نظم بخشیده و نسبت به روشهای دیگر که از نظام الفبای سنتی استفاده می‌کنند از دقت بسیار بیشتری برخوردار است. این روش در کشورهای انگلستان و امریکا مورد استفاده قرار گرفته و نتایج سودمندی داشته است. نظام الفبایی این روش از ۲۴ حرف الفبای سنتی انگلیسی و بیست حرف جدید تشکیل شده است که هر کدام نماینده یکی از صامت‌ها و مصوت‌های زبان انگلیسی هستند.^۳ در این

۱. زندی (۱۳۷۲)، ص ۳۲.

۲. initial teaching alphabet method

۳. فریار و رخشان (۱۳۶۹)، ص ۲۳۹.

روش برای آموزش آواهایی مانند آوای «ذ» در کلمه «this»، که در الفبای سنتی انگلیسی با «th» نشان داده می‌شود، از نشانه حرفی مستقل استفاده می‌گردد.

با استفاده از این روش، فراگیران در مرحله اول آشنایی با مهارت خواندن، از تناقضات موجود در رابطه خط و عناصر ساخت آوایی زبان دور خواهند بود و همه نیروی خود را فقط صرف یادگیری این خواندن می‌کنند. در این روش بر تمرین نوشتن تأکید زیادی می‌شود. از مزایای این روش می‌توان به تسهیل یادگیری خواندن و نوشتن با ایجاد تصنعی تطابق یک به یک بین آوا و حروف اشاره کرد.

اشکالات

۱. خطر ایجاد زمینه غلط آموزشی برای دانش آموزان؛

۲. مشکل بودن اجرای مرحله حذف نشانه‌های اضافی.

روش نشانه‌های ممیز^۱ برخی از کارشناسان برای مقابله با مشکلاتی که ناشی از رابطه غیرمتناظر بسیاری از آواهای زبانی و نشانه‌های نظام نوشتاری است پیشنهاد کرده‌اند که در اوایل دوره آموزشی اصلاحاتی در نشانه‌های حرفی انجام گیرد تا نظام الفبایی بتواند رابطه یک حرف و یک صدا را تا اندازه زیادی به نمایش بگذارد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در قرون اولیه هجری خط قرآنی مورد بازیابی و اصلاح قرار گرفت. بدین ترتیب که علائمی به نشانه‌های قبلی افزوده شدند تا درجه دقت نظام نوشتاری برای نشان دادن تلفظ صحیح آیات را افزایش دهند: برای نمایش مصوت /a/ از علامت «ـَ» یا فتحه؛ برای نمایش مصوت /u/ از علامت «ـُ» یا ضمه؛ برای نمایش مصوت /I/ از علامت «ـِ» یا کسره؛ برای نمایش تنوین علامت «ـِی» و برای نمایش سکون، از علامتی به شکل «ـْ» استفاده شد.^۲

همچنین کشورهای کره جنوبی و چین نیز در این زمینه دست به اصلاحاتی زده‌اند که نتایج مفیدی نیز در پی داشته است. در آمریکا نیز در سال ۱۹۶۴ ادوارد فرای^۳ جهت نظم بخشیدن به دستگاه الفبایی زبان انگلیسی، برای استفاده در مرحله اولیه آموزش خواندن، نظامی ابداع کرد که به نام «روش نشانه‌های ممیز» مرسوم شده است.

1. diacritical marking method

3. E. Fry

۲. زندی (۱۳۷۱)، ص ۳۷.

در این روش برای نشان دادن تلفظ اصلی کلمات در مواردی که بین تلفظ این عناصر و نشانه‌های حرفی سازنده آنها رابطه یک به یک برقرار نیست از علائم اضافی استفاده می‌شود. پس از مدتی که مهارت خواندن تا اندازه زیادی توسط فراگیران آموخته شد، اندک اندک به حذف این علائم اضافی اقدام می‌شود.

در روش آموزش خواندن فعلی ایران نیز در سال اول ابتدایی تا اندازه‌ای از این علائم اضافی استفاده می‌شود که پس از مدتی اندک اندک از مقدار استفاده از آنها کاسته می‌شود تا زمانی که به طور کلی حذف می‌گردند.^۱ از مزایای اصلی این روش تسهیل یادگیری از طریق ایجاد تصنعی تطابق یک به یک بین آوا و حروف است.

اشکالات

۱. مرحله حذف نشانه‌های اضافی و کمکی و انتقال به مرحله یادگیری نظام نوشتاری واقعی بسیار حساس است و ممکن است معلم را دچار مشکلات عدیده‌ای کند.
۲. خطر ایجاد زمینه غلط‌آموزی برای دانش‌آموزان وجود دارد.

روش نشانه‌های رنگین.^۲ در این روش برای مقابله با مشکلاتی که از نقایص موجود در نظامهای نوشتاری ناشی می‌شود، به جای تغییر دادن شکل حروف یا اضافه کردن تعدادی نشانه حرفی اضافی، از رنگهای مختلفی استفاده می‌شود. بدین ترتیب که برای نمایش آواها بدون توجه به جای آنها در کلمات، از یک رنگ مخصوص استفاده می‌شود تا به رابطه بین صامت‌ها و مصوت‌ها و نشانه‌های حرفی معادل آنها نظم و قاعده بیشتری بخشد. در حقیقت این روش نیز مانند دو روش قبلی برای آسان کردن یادگیری مهارت خواندن در مراحل ابتدایی ابداع شده است. اما برخلاف آن دو روش، در شکل املائی کلمات و حروف سازنده آنها تغییری نمی‌دهد، بلکه از رنگ به عنوان یک «عنصر بصری» برای تسهیل یادگیری خواندن مدد می‌گیرد. در این روش، هر رنگ نماینده یک صامت یا یک مصوت مستقل بدون توجه به املائی آنهاست. در زبان فارسی که دارای ۳۲ نشانه حرفی است، برای نمایش صامت‌های پانزده گانه ب، پ، ج، چ، خ، د، ر، ژ، س، ف، ک، گ، ل، م، ن چهار هیچ مشکلی نمی‌شویم. اما برای نمایش صامت‌ها و مصوت‌های دیگر دچار اشکالات جدی خواهیم شد. شاید بتوان با استفاده از

۱. زندی (۱۳۷۲)، ص ۳۵.

«روش نشانه‌های رنگین» ترتیبی اتخاذ کرد تا این اشکالات تا اندازه‌ای رفع گردد؛ مثلاً:

صدای مصوت	ā	←	ی، ا	رنگ آبی
صدای مصوت	e	←	ی، ه، ه	رنگ قرمز
صدای مصوت	o	←	ی، و	رنگ سبز
بقیه عناصر آوایی		←		رنگ مشکی

همچنین در این روش، نمودارهای دیواری (لوحه‌ها)، نیز آواها را با رنگ خاص خود نشان می‌دهند و دانش‌آموزان با تمرین آواها به صورت مجزا و در ترکیب با یکدیگر آنها را فرا می‌گیرند.^۱ از این لحاظ می‌توان گفت روش نشانه‌های رنگین از «حس بینایی» فراگیران بیشتر از هر روش دیگر سود می‌جوید. بدین ترتیب از حس بینایی دانش‌آموزان به بهترین وجه استفاده می‌شود و با ایجاد تصنعی تطابق یک به یک بین آواها و حروف، یادگیری خواندن و نوشتن تسهیل می‌شود.

اشکالات

۱. هزینه سنگین چاپ و انتشار محتوای مشمول نشانه‌های رنگین بویژه اگر تیراژ کتابهای درسی صدها هزار نسخه باشد.
۲. دشواری مرحله حذف رنگهای مختلف و انتقال دانش‌آموزان به مرحله یادگیری نظام نوشتاری بدون استفاده از رنگ.

۴-۵ تدریس مهارت خواندن در کلاس اول دبستان

برنامه تدریس مهارت‌های خواندن و نوشتن در کلاس اول ابتدایی دارای دو دوره است: دوره آمادگی و دوره آموزش خواندن پایه.

الف) دوره آمادگی. این دوره به دو هدف عمده اختصاص دارد:

- اهداف مربوط به زبان گفتاری

- اهداف مربوط به زبان نوشتاری

تقویت و اصلاح زبان گفتاری. در دوره آمادگی اهداف زیر مورد نظر قرار می‌گیرند:

- آموزش غیرمستقیم این نکته که واحدهای زبانی مثل کلمه از اجزای کوچکتری

مثل هجا (بخش) و آوا (صدا) تشکیل شده است؛
- آشنایی معلم با مشکلات برخی دانش آموزان در تلفظ برخی صداهای زبان

فارسی و کوشش در راه اصلاح آنها؛
- اصلاح تلفظ کلمات با بیان نام تصاویر؛

- صوت آموزی شامل صداشناسی با تمرین صداها در کلمات هم آغاز و هم
- پایان، بخش کردن کلمات به هجاهای سازنده آنها و صدا کشی هجاها به آوای سازنده

آنها؛
- آموزش به کار بردن صحیح جمله ها در بیان مطالب و افکار خود با رعایت

کوتاهی و بلندی صدا و آهنگ جملات.

مقدمات یادگیری زبان نوشتاری.

- آموزش صحیح گرفتن مداد و گچ؛

- آموزش استفاده صحیح از مداد پاک کن و تخته پاک کن؛

- آموزش چگونگی حرکت چشم از راست به چپ (چون رابطه عناصر الفبایی

در خط فارسی امروز از راست به چپ است)؛

- تمرین اشکال زیرنویس لوحه ها که هر کدام مدلی از یک حرف الفبای فارسی

هستند؛

- آموزش مفهوم «خط زمینه» و مفاهیم «روی خط»، «بالای خط» و «پایین

خط» که در نوشتن حروف سازنده کلمات بسیار مهم هستند.

ب) آموزش خواندن پایه. هدف اصلی آموزش خواندن در پایه اول ابتدایی این

است که دانش آموزان مهارت های اساسی خواندن به زبان فارسی را بیاموزند، کلیه حروف

الفبای فارسی را بشناسند و کلمات ساده، جمله های ساده و متون ساده را براحتی

بخوانند. برای رسیدن به این هدف چندین سال است که از میان رویکردهای آموزش

خواندن پایه که در قسمت پیش مورد بحث قرار گرفتند، رویکرد ترکیبی و از میان

روشهای منتسب به این رویکرد «روش ترکیبی ایران» مورد استفاده قرار می گیرد. روش

ترکیبی ایران آمیخته ای از روش تحلیلی آوا محور (صوت آموزی) و روش کلی واژه

محور (کلمه آموزی) است. به این ترتیب، روش ترکیبی ایران از مزایای هر دو روش یاد

شده برخوردار و از نارساییهای آنها به دور است. آنچه از روش کلی واژه محور در آن وارد شده است استفاده از اصل روانشناختی از کل به جزء، پیشروی مراحل تدریس - یادگیری از صورتهای کلی به صورتهای جزئی زبان، خواندن همراه با فکر و درک مطلب و سرعت مناسب در خواندن است. آنچه از روش تحلیلی آوا محور در آن وارد شده است عبارت است از آموختن شکل حروف و صدای آنها، تأکید بر تلفظ صحیح کلمات و گسترش مهارتهای دانش آموزان برای شناسایی کلمات جدید. در روش ترکیبی ایران معمولاً از یک کلمه (کلمه کلید) به عنوان ابزار اصلی

آغاز تدریس استفاده می شود. سپس آن کلمه به اجزای کوچکتر، یعنی هجاها و آواها (حروف) تجزیه می شود و آنگاه دانش آموزان با قواعد نوشتن و همچنین تلفظ صحیح و خواندن آن آشنا می شوند. دانش آموز در هر درس با یک حرف از حروف الفبای زبان فارسی آشنا می شود و این در حالی است که به مهارتهای شناسایی و تلفظ کلمه، خواندن جمله و نوشتن آنها نیز تسلط پیدا کرده است.

ثمین باغچه بان در این زمینه می نویسد: ابتدا صورت کلی کلمه نشان داده می شود و در قالب کل کلمه، حرف تازه مورد نظر آموخته می شود. در چنین کلمه ای که آن را «کلمه کلید» می خوانند و جزو کلمات آشنای دانش آموزان است فقط یک حرف تازه وجود دارد. بعد از چند تمرین، حرف تازه جزو معلومات او می شود و این حرف مجهول را که بر اثر کوشش ذهنش جزو دانش او شده است برای کشف حرف مجهولی که در درس بعد با آن روبه رو خواهد شد به کار می برد. با این روش فرد ضمن آنکه حروف الفبا را می آموزد به استدلال، تفکر و دقت عادت کرده، اعتماد به نفس پیدا می کند و برای خواندن مستقل آماده می شود. به طور کلی او هر حرف تازه را با کوشش ذهنی خود می آموزد و آموختن این حرف پاداش معنوی اوست.^۱

از دلایل اصلی انتخاب روش ترکیبی برای تدریس خواندن پایه زبان فارسی این است که رابطه نشانه های حرفی نظام نوشتاری این زبان با عناصر نظام آوایی آن، نه کاملاً دارای انطباق یک به یک و متناظر و نه دچار اختلاف شدید است. اگر حروف الفبای یک زبان با عناصر آوایی آن رابطه ای مناسب و دقیق داشته باشد، بدیهی است که استفاده از روشهای رویکرد تحلیلی برای آموزش خواندن پایه در آن زبان مناسب است

۱. باغچه بان (۱۳۴۰)، ص ۱۱-۱۵.

و اگر این رابطه شدیداً دچار ناهمگونی باشد، استفاده از روشهای رویکرد کلی در آن زبان توصیه می شود. اما نظام نوشتاری زبان فارسی دارای شرایطی است که حدود $\frac{2}{3}$ حروف الفبای آن نماینده یک آوای واحد هستند و تنها در $\frac{1}{3}$ موارد بین نظام آوایی و نظام نوشتاری رابطه یک به یک و متناظر مشاهده نمی شود.^۱ بنابراین، برای آموزش خواندن در پایه اول ابتدایی، نه کاملاً می توان به نفع رویکرد تحلیلی نظر داد و نه کاملاً می توان رویکرد کلی را سودمندترین رویکرد دانست، بلکه بهتر است از رویکرد ترکیبی که تلفیقی از خصوصیات و ویژگیهای مثبت هر دو رویکرد است استفاده نمود.

مراحل روش ترکیبی ایران

۱. گرفتن کلمه کلید از زبان دانش آموزان؛
 ۲. بخش کردن کلمه کلید؛
 ۳. صدا کشی بخشهای کلمه کلید؛
 ۴. نوشتن کلمه کلید روی تابلو با رعایت اصول خط زمینه؛
 ۵. خواندن کلمه کلید از طرف دانش آموزان؛
 ۶. بازشناسی حروف و بخشهای سازنده کلمه کلید؛
 ۷. نوشتن کلمه کلید به وسیله دانش آموزان روی خط زمینه در تابلو؛
 ۸. بازکردن کتاب و خواندن متن درس؛
 ۹. تمرین نوشتن متن درس در دفترچه؛
 ۱۰. درج حرف جدید در جدول حروف الفبا.
- اکنون به تشریح اصطلاحات فنی هر مرحله و توضیح چگونگی اجرای هر مرحله همراه با مثالهای مناسب می پردازیم.

مرحله اول. گرفتن کلمه کلید از زبان دانش آموزان. حرف جدید در هر درس در قالب کلمه ای تدریس می شود که دانش آموزان، سایر حروف آن کلمه را آموخته باشند (جز درس اول). این کلمه را «کلمه کلید» می نامند. کلمه کلید را معمولاً مؤلفان کتاب درسی پایه اول ابتدایی برای هر درس انتخاب می کنند. اما گاهی در تدوین متن درسا

رعایت کلیه خصوصیات کلمه کلید میسر نیست. در این شرایط برعهده معلمان است که با توجه به خصوصیات زیر کلمه کلید مناسب را انتخاب کرده، در اولین مرحله روش ترکیبی از آن استفاده نمایند؛ خصوصیات کلمه کلید مناسب عبارت است از:

۱. قابل تصویر و تجسم باشد؛

۲. معنی آن برای دانش آموزان روشن باشد؛

۳. در آن فقط یک حرف تازه وجود داشته باشد؛

۴. تا آنجا که ممکن است کلمه‌ای یک بخشی باشد؛

۵. تا آنجا که ممکن است در متن درس موجود باشد و خارج از کتاب نباشد؛

۶. تا حد ممکن حرف تازه که هدف، آموزش آن است در پایان کلمه واقع شده باشد.

در این مرحله شیوه تدریس واحدی وجود ندارد. معلم می‌تواند از شیوه نمایشی، پرسش و پاسخ یا شیوه بحث و گفتگو استفاده کند. مثلاً برای گرفتن کلمه کلید «آب» از زبان دانش آموزان می‌توان با نشان دادن یک لیوان آب یا تصویر آن و طرح سؤالهای مناسب، آنان را هدایت کرد تا خود کلمه کلید آب را بر زبان آورند.

مرحله دوم و سوم. بخش کردن و صدا کشی بخشهای کلمه کلید. در مرحله دوم و سوم روش ترکیبی ایران کلمه کلید به عناصر سازنده خود یعنی هجاها و آواها تجزیه می‌شود تا دانش آموزان دریابند که صورتهای کلی زبان از واحدهای کوچکتر ساخته می‌شوند. در این مراحل از شیوه‌های عملی بخش کردن و صدا کشی به همراه شیوه پرسش و پاسخ استفاده می‌شود. به این ترتیب که معلم از یکی از دانش آموزان می‌خواهد کلمه کلید را بخش کند و سپس صداهای بخش یا بخشهای آن را به صورت کشیده ادا کند. طریق بخش کردن و صدا کشی معمولاً در زمان تدریس آخرین لوحه دوره آمادگی به دانش آموزان آموزش داده می‌شود.

مرحله چهارم. نوشتن کلمه کلید روی تابلو با رعایت اصول خط زمینه. در این مرحله معلم با جلب توجه دانش آموزان کلمه کلید را با تانی و دقت روی خط زمینه می‌نویسد و به این ترتیب طرز نوشتن حرف جدید و چگونگی ارتباط آن با دیگر حروف را آموزش می‌دهد. در این مرحله معمولاً علاوه بر گچ سفید از گچ رنگی نیز استفاده می‌شود. برای تسهیل آموزش نوشتن حرف تازه در هر درس و برای اینکه دانش آموزان نقطه شروع، خاتمه و حالت و طرز نوشتن آن حرف را بیاموزند از خط

زمینه استفاده می شود. شکل حروف الفبای زبان فارسی و چگونگی نوشتن آنها نسبت به خط زمینه براساس اصول و قواعدی است که معلمان باید توجه داشته باشند که دانش آموزان هنگام نوشتن، چه روی تابلو و چه در دفترچه، این اصول و قواعد را رعایت کنند.^۱ در زیر به نحوه نوشتن مصوتها و صامتها می پردازیم.

مصوتها: آَ اِ اِ ه اُ آ ا و ای ی ی ای

صامتها: این حروف به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. حروف یک شکلی. این حروف خود دوگونه اند:

الف) حروفی که هنگام نوشتن از خط زمینه گذر کرده، در هر جای کلمه قرار گیرند به شکل زیر نوشته می شوند:

~~د ذ ر ز ث و~~

ب) حروفی که هنگام نوشتن روی خط زمینه کشیده می شوند و در هر جای کلمه که قرار می گیرند به شکل زیر نوشته می شوند:

ط ظ

۲. حروف دو شکلی. این حروف دارای یک شکل آخر و یک شکل غیر آخر هستند. اگر آوای مربوطه در آخر کلمه باشد از شکل آخر و اگر در آخر کلمه نباشد از شکل غیر آخر استفاده می شود:

غیر آخر: ب پ ت

آخر: ب پ ت

۳. حروف چهار شکلی. هر کدام از این حروف دارای چهار شکل هستند که به ترتیب در آغاز کلمه (آغازین)، وسط کلمه (میانی) و به صورت پایانی چسبان و پایانی جدا ظاهر می شوند:

آغازین	ع	غ	ه
میانی	ع	غ	ه
پایانی چسبان	ع	غ	ه
پایانی جدا	ع	غ	ه

با توجه به مطالب گفته شده می توان کلیه حرفگونه های^۱ حروف الفبای فارسی را به دو دسته زیر تقسیم کرد:

(الف) حرفگونه هایی که دنباله آنها روی خط زمینه کشیده می شود و به حرف بعدی می چسبند:

~~پ پ ت ث ج چ ح خ ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن ه ی~~

(ب) حرفگونه هایی که دنباله آنها روی خط زمینه کشیده نمی شود و به حرف بعدی نمی چسبند:

~~ا ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ث س ش ص ض ع غ~~
~~غ ف ق ک گ ل م ن ه ی~~

مرحله پنجم. خواندن کلمه کلید از طرف دانش آموزان. این مرحله به آموزش تلفظ صحیح شکل کلی کلمه کلید اختصاص دارد. معلم پس از نوشتن شکل کلمه کلید بر روی تابلو در مرحله چهارم، از دانش آموزان می خواهد هم صدا و به طور طبیعی و عادی (بدون کشیدن) آن را بخوانند. سپس از تک تک آنان می خواهد کلمه کلید را بخوانند. فایده این مرحله این است که اگر یک یا چند دانش آموز در خواندن کلمه دچار اشکال باشند، معلم با تمهیداتی برای رفع اشکال اقدام می کند.

مرحله ششم. بازشناسی حروف و بخشهای سازنده کلمه کلید. در این مرحله دانش آموزان به بازشناسی عناصر سازنده کلمه کلید می پردازند. به این ترتیب که معلم با یک وسیله مثل کتاب یا خط کش روی قسمتهای مختلف کلمه را می پوشاند و از دانش آموزان می خواهد به صورت انفرادی یا همخوانی، صدای حرف مورد نظر را بر زبان آورند. این عمل تا وقتی که صداهای همه حروف کلید به تلفظ درآیند ادامه می یابد.

مرحله هفتم. نوشتن کلمه کلید به وسیله دانش آموزان روی خط زمینه در تابلو. در این مرحله معلم از یکایک دانش آموزان می خواهد با استفاده از گچی که همرنگ نوشته روی تابلو نباشد شکل حرف جدید در کلمه کلید را رنگ کنند. سپس از تک تک دانش آموزان می خواهد با استفاده از گچ سفید کلمه کلید را با توجه به خط زمینه روی تابلو بنویسند. آموزگاران باید توجه داشته باشند که حرکت دست شاگردان هنگام نوشتن حروف جدید کاملاً صحیح باشد.

مرحله هشتم. بازکردن کتاب و خواندن متن درس. در این مرحله معلم از دانش آموزان می خواهد کتاب خود را باز کرده، متن درس مورد نظر را بخوانند. هنگام آموزش خواندن از انواع شیوه های خواندن استفاده می شود؛ مثلاً خواندن خطابی که در آن معلم می خواند و دانش آموزان گوش می دهند یا هم خوانی کلمات و جملات به وسیله دانش آموزان پس از خواندن معلم و یا خواندن مستقل، که شاگردان خود متن را قرائت می کنند. البته پس از جلسات اولیه باید از شیوه های صامت خوانی (مطالعه) بویژه شیوه عبارت خوانی استفاده کرد.

مرحله نهم. تمرین نوشتن متن درس در دفترچه. در این مرحله دانش آموزان با راهنمایی معلم، متن درس را در دفترچه خطدار خود رونویسی می کنند. سودمندی این مرحله این است که معلم با واریسی طرز کار آنان از نزدیک، دقت می کند که دانش آموزان شیوه درست نوشتن حروف، کلمه ها و جمله ها را بیاموزند.^۱

مرحله دهم. درج حرف جدید در جدول حروف الفبا. در آخرین مرحله از روش ترکیبی ایران معلم حرف جدید را در خانه مربوط به آن حرف در جدول حروف الفبا که قبلاً در محل مناسبی از کلاس نصب کرده است درج می کند.

۵-۵ تدریس مهارت خواندن در کلاسهای دوم تا پنجم دبستان

۵-۵-۱ آموزش روانخوانی متون ساده

پس از پایان آموزش حروف الفبا و مهارت های اولیه خواندن در کلاس اول ابتدایی، از کلاس دوم به بعد سعی شود با استفاده از متونی که به زبان ساده تدوین شده اند و هر کدام موضوع خاصی را دنبال می کنند دانش آموزان با روانخوانی متون ساده فارسی آشنا شوند. این متون بدون استفاده از خط زمینه و با حروف چاپی و رسم الخط معمول جامعه نگاشته می شوند و به این ترتیب دانش آموزان را برای استفاده از متون عادی موجود در فرهنگ مکتوب جامعه آماده می کنند.

۵-۵-۲ شیوه تدریس متون ویژه روانخوانی

پیش از خواندن متن، به صورت شفاهی و با استفاده از شیوه های داستانگویی یا

۱. برای آشنایی با مفاهیم و تعاریف مربوط به نوشتن و انواع آن مراجعه کنید به فصل ششم.

سخنرانی، درباره موضوع متن مورد نظر صحبت کنید و با ترغیب دانش آموزان و استفاده از شیوه بحث و گفتگو آنان را در روند تدریس - یادگیری مشارکت دهید تا با استفاده از زبان گفتاری خود مطالبی را در زمینه مورد بحث بیان نمایند. همچنین اگر در متن درس شکل برخی حروف وجود داشت که گونه چاپی آن با گونه مورد استفاده در دوره آموزش الفبا متفاوت بود، مثل هـ، هـ و ... موضوع را به دانش آموزان گوشزد کنید.

۵-۵-۳ روشهای خواندن متن (مطالعه)

امروزه خواندن و مطالعه منحصر به مشاغل خاصی نیست. تنها دانشمندان، استادان و معلمان نیستند که باید مطالعه کنند، بلکه ضرورت‌های منبعث از فلسفه تعلیم و تربیت جدید باعث شده است که خواندن کتابهای غیردرسی و اختصاص وقت به مطالعه از لوازم اساسی و اجتناب‌ناپذیر زندگی همه انسانها به شمار آید. طبیعی است برای گسترش امر خواندن در جامعه باید از دوران دبستان طریقه صحیح خواندن و روشهای مطالعه را به دانش آموزان بیاموزیم و عادت مطالعه را در آنان تقویت نماییم. به همین سبب، در این قسمت از فصل پنجم، جهت آشنایی خوانندگان با روشهای مطالعه، مطالبی خواهیم آورد تا بتوانند با شناخت بیشتر از این روشها، ضمن بالابردن «دانش نظری» خود، از تلاشهای آموزشی خویش به نحو مطلوبتری استفاده نمایند. روشهای خواندن که در دبستان کاربرد دارند عبارتند از:

۱. خواندن با صدا:

الف) خواندن خطابی

ب) همخوانی

۲. صامت خوانی (خواندن مستقل):

الف) خواندن اجمالی

ب) مطالعه سریع (تندخوانی)

ج) گروه خوانی (عبارت خوانی)

خواندن خطابی. در این نوع خواندن معمولاً معلم یا یک دانش آموز خطاب به دیگران متنی را می‌خواند و آنان ضمن گوش کردن، به متن کتاب هم نگاه می‌کنند. معمولاً در کلاسهای اول تا سوم معلمان برای ارائه درس جدید از این نوع خواندن استفاده می‌کنند. معلمان باید هنگامی که دانش آموزی با صدای بلند و به صورت خطابی

متنی را می‌خواند، به طرز خواندن وی دقت کنند و اشکالات و اشتباهاتش را یادداشت نموده، پس از پایان خواندن به وی گوشزد کنند.

همخوانی. در این نوع خواندن، معلم یا یک دانش‌آموز متن را می‌خواند و دانش‌آموزان دیگر با صدای بلند آن را تکرار می‌کنند. این نوع خواندن بیشتر در کلاس اول کاربرد دارد و می‌تواند دانش‌آموزانی را که از خواندن خطابی انفرادی خجالت می‌کشند به خواندن انفرادی تشویق و ترغیب نماید. ولی معلمان باید توجه کنند که در استفاده از آن اعتدال رعایت شود، چون خواندن یک مهارت فردی می‌باشد و بهتر است دانش‌آموزان را به صورت انفرادی به خواندن متن تشویق کنیم.

خواندن اجمالی. هدف از این نوع مطالعه دستیابی به نکته‌ها و مطالب مهم متن یا کتاب و کشف ساختار و مضمون کلی آن است. با خواندن اجمالی، دانش‌آموز محتوای متن یا کتاب را به طور مجمل ادراک می‌کند و با ساختار کتاب از قبیل واحدهای پیش از متن (صفحه عنوان، صفحه شناسنامه، پیشگفتار، فهرست عناوین، جداول و ...)، متن اصلی کتاب و همچنین واحدهای پس از متن (خلاصه مطالب، پرسشها، فهرست منابع و ...) آشنا می‌شود. سرعت تقریبی این نوع خواندن در حدود هزار تا چهارهزار کلمه در دقیقه است.

مطالعه اجمالی باعث می‌شود خواننده به تواناییهای دست یابد:

(الف) تعیین میزان اهمیت مطالب و طرح‌ریزی روش مناسب مطالعه متن یا کتاب؛

(ب) تخمین زدن مقدار مطالب و میزان دشواری آن برای زمانبندی مطالعه؛

(ج) کسب نظرگاه کلی از مطالب، پیش از خواندن جزئیات، برای افزایش میزان درک مطالب و انباشت و نگهداری آنها در حافظه؛

(د) افزایش میزان دقت و تمرکز حواس از طریق افزایش میزان علاقه به مطلب. باید به دانش‌آموزان آموخت که در خواندن اجمالی، باید از جزئیات صرف نظر کنند و در جستجوی نکات کلیدی، ارزیابی ساختار و ترتیب مطلب و سبک نگارش متن؛ رابطه پاراگرافها، جمله‌ها و فصلهای کتاب با هم؛ عناوین اصلی و فرعی متن و نمودارها و تصاویر باشند. معلمان باید به دانش‌آموزان خود بیاموزند که در آغاز مطالعه هر کتاب، مجله و یا هر متن دیگر، نخست مرحله مطالعه اجمالی آن را انجام دهند.

مطالعه سریع (تندخوانی). هدف از این نوع مطالعه کسب آشنایی کلی با مطالب

متن یا کتاب از طریق مرور آنها با سرعت فوق‌العاده زیاد است. سرعت تقریبی در مطالعه سریع ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰۰ کلمه در دقیقه است.

به نظر می‌رسد دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم توانایی لازم برای این نوع خواندن را ندارند؛ ولی از کلاس چهارم به بعد باید سعی شود این شیوه مطالعه را بیاموزند.

تندخوانی مستلزم حرکت منظم و همراه با آهنگ مناسب چشم با سرعت زیاد بر روی صفحات و هماهنگی ذهن با این حرکات است و دانش‌آموزان باید با تمرین زیاد با این نوع خواندن آشنا شوند.

گروه خوانی (عبارت خوانی). برخلاف پایه اول که ممکن است دانش‌آموزان هنگام خواندن، متن را کلمه به کلمه یا حتی حرف به حرف بخوانند باید سعی شود در کلاسهای دوم تا پنجم دبستان به «گروه خوانی» و سپس «جمله خوانی» مبادرت ورزند. سرعت تقریبی این نوع مطالعه بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ کلمه در دقیقه است.

در فصل دوم گفته شد که هر جمله از یک یا چند گروه تشکیل می‌شود. معمولاً ساخت جمله‌های خبری زبان فارسی به شکل زیر است:

گروه اسمی + گروه فعلی ← جمله

مثال: پیامبر بزرگ اسلام + با یاران خود مشورت می‌کرد.

اهداف اصلی گروه‌خوانی افزایش سرعت مطالعه است. بنابراین دانش‌آموزان باید عادت کنند به جای خواندن کلمه‌ها به خواندن گروه‌ها و جمله‌ها بپردازند؛ مثلاً به جای کلمه به کلمه خواندن گروه اسمی «پیامبر + بزرگ + اسلام» این عبارت را یکجا به صورت «پیامبر بزرگ اسلام» بخوانند.

فواید گروه‌خوانی.

الف) افزایش سرعت مطالعه از طریق ترک عادت کلمه به کلمه خواندن؛

ب) افزایش درک مطلب از طریق بازشناسی اندیشه‌های نویسنده؛

ج) افزایش تمرکز حواس و لذت حاصل از مطالعه از طریق هماهنگ‌سازی

سرعت خواندن با سرعت فکر کردن.

لزوم تمرین روش گروه‌خوانی در درس فارسی. در روش گروه‌خوانی، دانش‌آموز

باید عادت کند به جای تمرکز چشم بر کلمه‌ها و توقف اضافی بر آنها بر «گروه کلمات»

تمرکز کند. از این راه، او به جای درک معنای کلمه به کلمه متن به درک معنای کل جمله می‌پردازد.

معلم باید با تمرین روش گروه خوانی در درس فارسی شاگردان خود را آماده کند تا مطالب کتابهای فارسی و کتابهای دیگر را که به دستشان می‌رسد، با این روش مطالعه کنند. از این طریق از خستگی مفرط آنان به هنگام خواندن، که از عوامل بازدارنده علاقه‌مندی آنان به مطالعه است، جلوگیری می‌شود.

خوانندگانی که گروه خوانی می‌کنند به هنگام مطالعه، کمتر بازگشت می‌نمایند، زیرا حرکت چشم آنان به علت اینکه در هر بار توقف به جای یک کلمه، گروهی از کلمات را می‌بیند، مطالعه آنان را با نحوه فکر کردن هماهنگ می‌سازد.

کشف سرعت خواندن، انگیزه‌ای برای علاقه‌مندی دانش‌آموزان به مطالعه. از طریق زیر به دانش‌آموزان پیاموزید که سرعت خواندن خود را اندازه بگیرند. بدین وسیله، هم آنان علاقه بیشتری به خواندن و مطالعه پیدا می‌کنند و هم اینکه سعی خواهند نمود سرعت مطالعه خود را افزایش دهند و این نیز باعث انجام عمل مطالعه خواهد شد که مطلوب نظر همه ما می‌باشد:

مرحله اول. میانگین تعداد کلمه‌های یک صفحه کتاب را محاسبه کنید.

مثال: صفحه ۱۷ از یک کتاب، سطرهای ۲، ۳ و ۴.

تعداد سطرهای یک صفحه $\times$ $\frac{\text{تعداد کلمات سه سطر به صورت انتخابی}}{۳}$

میانگین کلمه‌های یک صفحه کتاب $\frac{۳۰}{۳} \times ۸ = \frac{۲۴۰}{۳} = ۸۰$

مرحله دوم. چهار صفحه از همان کتاب را با سرعت معمول خود بخوانید و زمان آن را با استفاده از ثانیه شمار اندازه بگیرید. عدد به دست آمده در مرحله اول (۸۰)، زمان به دست آمده در مرحله دوم و تعداد صفحه‌های خوانده شده (۴ صفحه) را در فرمول زیر به کار برید.

تعداد کلمات در دقیقه = $\frac{۴ \times ۸۰}{\text{زمان مطالعه بر حسب دقیقه}}$

به این ترتیب سرعت مطالعه دانش‌آموز در دقیقه معلوم می‌شود.